

## سیاست خارجی ایران در آمریکای لاتین با تأکید بر کشورهای آلبا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۹۲)<sup>۱</sup>

سید جلال دهقانی فیروزآبادی<sup>۲</sup>  
غلامعلی زوارزاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۳/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال هشتم / شماره بیست و هفتم - تابستان ۱۳۹۴

### چکیده

هدف از تدوین این مقاله شناخت سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم در آمریکای لاتین و در رأس آن کشورهای اتحادیه آلبا است. در دولت‌های قبلی بیشتر جنبه اقتصادی روابط با این کشورها مطرح بوده است؛ در حالی که در دولت نهم و دهم علاوه بر توسعه روابط در حوزه اقتصادی، تعاملات سیاسی نیز اولویت داشته است. بر همین اساس در این مقاله به شیوه پیمایش کمی با استفاده از ابزارهای مصاحبه (با نخبگان مختلف از جمله رئیس‌جمهور دولت‌های نهم و دهم و رئیس‌جمهور بولیوی، آقای مورالس) و پرسشنامه‌هایی در سطح سیاست‌مداران و مقامات کشورهای عضو آلبا و براساس تحلیل‌های بدست آمده علل توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو آلبا و دیدگاه‌های مشترک دولت‌های نهم و دهم و کشورهای عضو آلبا درباره ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل و یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند و سیاست ضد سلطه و رویکرد استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی دو طرف در عرصه بین‌المللی بررسی شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که حضور جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین به عنوان حیاط خلوت ایالات متحده آمریکا باعث گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در جوار مرزهای سیاست‌های ایالت متحده آمریکا خواهد شد.

### واژگان کلیدی

سیاست خارجی، اتحادیه آلبا، عمق استراتژیک، جمهوری اسلامی ایران، امریکای لاتین

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری می باشد که در دانشگاه علامه طباطبایی (ره) دفاع گردیده است.

۲. دکتری روابط بین الملل، استاد دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

۳. دکتری روابط بین الملل.



## طرح مساله

کشورهای مختلف برای افزایش عمق استراتژیک خود در سطح بین‌المللی، سیاست خارجی متفاوتی را پیگیری می‌کنند. بر همین اساس روش‌های افزایش عمق استراتژیک، توسعه روابط دیپلماتیک و روابط سیاسی با کشورهای مختلف در موقعیت‌های جغرافیایی متنوع است. بسیاری از سیاست‌های منطقه آمریکای لاتین و در رأس آن کشورهای انقلابی اتحادیه آلبا که رویکرد ضد سلطه و ضد امپریالیستی دارند، با سیاست‌های ایالات متحده در تضاد است. تشابه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو آلبا علت مهم توسعه روابط طرفین بوده است.

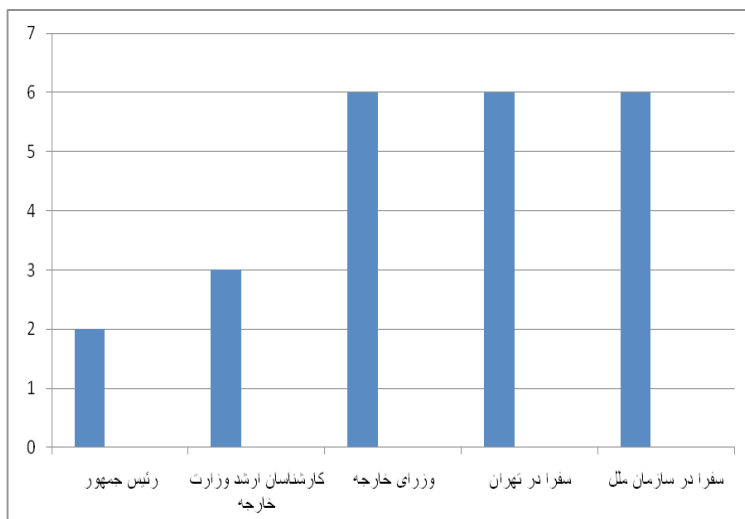
توسعه روابط با کشورهای منطقه آمریکای لاتین از دولت هشتم شروع شد و در دولت‌های نهم و دهم به اوج خود رسید و حتی به تحلیل کارشناسان، منطقه آمریکای لاتین به خصوص کشورهای آلبا به یکی از اولویت‌های اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. در این پژوهش به واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم با کشورهای عضو آلبا می‌پردازیم و اینکه سیاست مذکور چه تأثیری بر جایگاه بین‌المللی و در نهایت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است.

**سؤال تحقیق:** چرا منطقه آمریکای لاتین به خصوص کشورهای عضو آلبا در اولویت سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم قرار گرفته است؟

**فرضیه تحقیق:** دیدگاه‌های مشترک کشورهای آلبا و جمهوری اسلامی ایران درباره ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند غرب، سیاست ضد سلطه و ضد امپریالیستی و رویکرد استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی ایران و کشورهای آلبا باعث توسعه روابط شده است. همچنین توسعه روابط با کشورهای آلبا با توجه به نزدیکی آنها به ایالات متحده آمریکا موجب گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

**روش تحقیق:** روش تحقیق به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی، پیمایشی (کمی) است. جامعه آماری نیز متشکل از رؤسای جمهور، وزرای خارجه و سفرای کشورهای آلباست که از طریق انجام مصاحبه در اجلاس غیرمتعهدهای تهران بدست آمده است. روش نمونه‌گیری انتخابی و حجم نمونه‌گیری به طور تصادفی ساده ۲۳ نفر هستند.





### چارچوب نظری

از درون هر نظریه سیاست بین‌الملل می‌توان اصول کلی و راهنما برای تحلیل سیاست خارجی را استنتاج و به تبع آن نظریه‌های سیاست خارجی را پردازش کرد؛ به سخن دیگر، نظریه‌های سیاست بین‌الملل در صورت جرح و تعدیل، منبع و آغاز مناسبی برای نظریه‌پردازی در حوزه سیاست خارجی هستند. فراتر از این، از نظر ارزشی یا هنجاری و تجویزی نیز پیوند وثیق و رابطه‌ای تنگاتنگ بین نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی وجود دارد؛ بنابراین امکان استخراج توصیه و تجویز سیاست‌گذارانه برای سیاست‌گذاران و تدبیرپردازان سیاست خارجی فراهم می‌شود (Kubalkov, 2010).

چارچوب نظری مقاله نظریه انتقادی به عنوان یکی از رهیافت‌های فرا اثبات‌گراست. این نظریه به آرای فلسفی اندیشمندانی مانند آدرنو، هورکهایمر، مارکوزه و هابرماس برمی‌گردد. همچنین نظریه‌پردازی مثل رابرت کاکس، اندرولینک لیتز و مارک هافمن آن را برای تحلیل و تبیین سیاست بین‌الملل به کار گرفته‌اند؛ اما نظریه انتقادی بیش از آنکه یک نظریه سیاست خارجی باشد، یک فرا نظریه روابط بین‌الملل است.

مهم‌ترین هدف و دستورکار نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت نقد ایدئولوژیک و فرانظری گفتمان غالب خردگرایی در روابط بین‌الملل است. مباحث مربوط به معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مرکز ثقل و کانون نظریه انتقادی قرار دارد. این نظریه، مانند سایر نظریات فرا اثبات‌گرا، بنیادهای فرانظری پروژه خردگرا را به چالش می‌کشد (YOSEF, 1989: 33).

بر همین اساس یکی از رهیافت‌های فرا اثبات‌گرا که می‌توان در چارچوب آن به مفهوم‌پردازی درباره سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم پرداخت، نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت است. اگرچه این رویکرد نظری اصالتاً نظریه یا فرانظریه روابط بین‌الملل است، با جرح و تعدیل اصول و مفروضه‌های آن، امکان کاربست آن برای تحلیل سیاست خارجی وجود دارد. این نظریه، مانند برخی نظریه‌های تفسیرگرا، سیاست خارجی را متفاوت از نظریه‌های خردگرایی جریان اصلی تعریف و تبیین می‌کند؛ به گونه‌ای که نظریه انتقادی سیاست خارجی بر مدل بازیگر و منطق اقدام متمایزی از نظریه خردگرایی سیاست خارجی استوار است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

نظریه انتقادی سیاست خارجی بر مفهوم «انسان اجتماعی»<sup>۱</sup> استوار است. انسان اجتماعی برخلاف «انسان اقتصادی»<sup>۲</sup> به عنوان مبنای نظریه‌های خردگرایی سیاست خارجی، کنشگری ذره‌ای، منفعت‌طلب، خودپرست، کینه‌خواه، محاسبه‌گر و هدف‌محور نیست، بلکه انسان موجودی ذاتاً اجتماعی و زمینه‌پرورده است که بسترها و ساختارهای اجتماعی بینادذهنی، نقشی تعیین‌کننده و مقوم در تکوین ماهیت، هویت، منافع و رفتار او ایفا می‌کنند. همچنین این نوع انسان صرفاً بر پایه عقلانیت‌ابزاری اقدام نمی‌کند، بلکه عقلانیت ارتباطی-اخلاقی و انتقادی-استعلایی را مد نظر دارد (دهقانی فیروزآبادی، تابستان ۱۳۸۷: ۳۰۷-۳۰۸).

عقلانیت ارتباطی یا عملی-اخلاقی معلول و محصول مناسبات اجتماعی و تعامل بینادذهنی است. در چارچوب عقلانیت ارتباطی کنش‌های معطوف تفاهم بر کنش‌های معطوف کنترل و به کارگیری افراد و اشیا اولویت و ارجحیت دارد. عقلانیت انتقادی یا استعلایی، برای تصرف در طبیعت و تفاهم نیست، بلکه به منظور تغییر وضع و نظم موجود برای رسیدن به نظم و شرایط مطلوب به کار می‌رود. وضعیتی که در آن بازیگران اجتماعی با تعامل و تفکر به خودآگاهی، خودفهمی، تعالی، سعادت و شرایط اخلاقی متعالی و رهایی دست می‌یابند (Habermas, 1971).

رهایی مرکز ثقل نظریه انتقادی و دال متعالی است که همه دال‌ها بر اساس آن معنا می‌یابند و مفصل‌بندی می‌شوند. در نظریه انتقادی، سیاست خارجی به مثابه رهایی<sup>۳</sup> است؛ به بیان دیگر، سیاست خارجی تلاشی است برای رهایی از ساختارهای سلطه و سرکوب در نظام سلطه جهانی به منظور تأمین و تحقق آرمان‌ها و اهداف

1 . Homo-Sociologicus

2 . Homo-Economicus

3 . Emancipation



خارجی. بر این اساس، رهایی در نظریه انتقادی را می‌توان به صورت خودمختاری، آزادی عمل، امنیت و آزادی انسان‌ها و ملت‌ها از ساختارهای سلطه و سرکوب و الغای بسترها و بافت‌های اجتماعی محدودیت‌ساز و زمینه‌ساز بی‌عدالتی و بازتعریف و صورت‌بندی مجدد عدالت و برابری در نظام بین‌الملل تعریف کرد. بر اساس تعریف ارائه‌شده از رهایی، اصول سیاست خارجی رهایی‌بخش عبارت‌اند از:

اول، سیاست خارجی رهایی‌بخش درصدد ایجاد یک جامعه سیاسی- اخلاقی فراتر از دولت- ملت که کل بشریت را دربرگیرد و برپایه اخلاق مسئولیت است؛ یعنی سیاست خارجی باید علاوه بر تأمین منافع و سعادت شهروندان، خود را در برابر مصالح و سعادت کل بشریت موظف و مکلف بداند.

دوم، تلاش برای استقرار نظم و نظام بین‌الملل عاری از سلطه، سرکوب، تبعیض و بی‌عدالتی و مقاومت در برابر هژمونی و مقابله با نیروها و قدرت هژمون از مهم‌ترین مقولات، مؤلفه‌ها و اهداف سیاست رهایی‌بخش است.

سوم، ضد هژمونیک‌گرایی در سیاست خارجی رهایی‌بخش متضمن و مستلزم پیگیری ائتلاف و اتحاد نیروهایی ضد هژمونیک پیرامون نظام بین‌الملل است.

چهارم، سیاست خارجی رهایی‌بخش حاصل برآیند عوامل تعیین‌کننده هویت، قدرت مادی، ساختاری، نهادی و گفت‌مانی- ارتباطی است. براساس همین مفروضه‌های ارائه‌شده از رهایی، می‌توان گفت یکی از رهیافت‌های فرائیبات‌گرا که می‌توان در چارچوب آن به مفهوم‌پردازی درباره سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم پرداخت، نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت است.

### مروری بر روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکای لاتین

۱. روابط ایران- آمریکای لاتین از وقوع انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷) تا آغاز دولت نهم (۱۳۸۴) روابط ایران و آمریکای لاتین در سال‌های نخست وقوع انقلاب اسلامی ایران، با کوبای ضد آمریکایی و ساندنیست‌های نیکاراگوئه بوده است. در نشست سران جنبش عدم تعهد در هاوانا در سپتامبر ۱۹۷۹ اولین حضور مقامات جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین باعث نزدیکی آنها به یکدیگر شد. در این نشست که جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار به عنوان یکی از اعضای جنبش عدم تعهد پس از سرنگونی حکومت پهلوی طرفدار غرب حضور پیدا کرده بود، فیدل کاسترو با وزیر امور خارجه وقت ایران، که مسئولیت هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران را برای شرکت در



نشست سران غیرمتعهدها (نم) در کوبا بر عهده داشت، دیدار کرد که اولین دیدار رسمی یک مقام بلندپایه ایرانی با رهبر کوبا در هاوانا بود. در این دیدار کاسترو از تهدیدهای پیش روی انقلاب اسلامی ایران و تجربه‌های انقلاب کوبا در زمینه دفاع، امنیت و ایجاد نیروهای نظامی جدید سخن گفت. در این ملاقات بر وجود تشابه بین دو انقلاب نیز تأکید شد (lotfian, 2010: 34).

در همین زمان پس از انتخاب دانیل اورتگا، رهبر جبهه آزادی‌بخش ملی ساندنیست‌ها به عنوان رئیس‌جمهور نیکاراگوئه، نخست‌وزیر وقت ایران پیام تبریکی به مناسبت پیروزی وی در انتخابات ریاست‌جمهوری نیکاراگوئه فرستاد و ضمن محکوم کردن حمایت و پشتیبانی آمریکا از کنتراها، تعهد جمهوری اسلامی ایران را برای حمایت از مردم نیکاراگوئه در این جنگ و مقابله با دخالت آمریکا ابراز داشت. در این مقطع جمهوری اسلامی ایران به منظور حمایت از ساندنیست‌ها اقدام به فروش نفت به نیکاراگوئه کرد. روابط با ونزوئلا در این دوره نیز به دلیل وجود منافع دوجانبه در تقویت اوپک ادامه داشته است. ارتباط بین تهران و کاراکاس در این زمینه نیز مستمر بود و شامل رایزنی‌های دوجانبه و چندجانبه می‌شد. برای نمونه در این مقطع رئیس‌جمهور ونزوئلا، کارلوس آندرس پرز، در طول ریاست‌جمهوری مقام معظم رهبری در ۱۸ ژانویه ۱۹۸۹ از ایران دیدار کرد (lotfian, 2010: 55).

روابط با سایر کشورهای منطقه آمریکای لاتین تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹) و حاکم شدن دیدگاه‌های ایدئولوژیکی بر مسائل سیاست خارجی، با خارج شدن جمهوری اسلامی ایران از نظام دوقطبی (بلوک غرب) همراه بود. تقارن، همخوانی و تشابهی که باعث ایجاد جهت‌گیری‌های سیاست خارجی مشابه برای همکاری با یکدیگر در نظام بین‌الملل می‌شد، با وقوع انقلاب اسلامی از بین رفت و روابط با آمریکای لاتین غیر از کشورهای کوبا و نیکاراگوئه رو به کاهش گذاشت (عطایی، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۲).

اما وقوع تحولاتی مانند جنگ تحمیلی بین جمهوری اسلامی ایران و عراق که تقارنی با بحران مالی آمریکای لاتین داشت، موجب ارتقا و ازسرگیری روابط در زمینه‌های اقتصادی و مبادلات تجاری دو طرف شد. ایران نیز برای شکستن انزوای سیاسی خود توسعه روابط با کشورهای آمریکای لاتین را در اولویت خود قرار داد و بدین ترتیب روند توسعه روابط با کشورهای این منطقه آغاز شد. در این دوران که تا پایان جنگ و دوران سازندگی ادامه داشت، سفارتخانه‌های ایران در کشورهای



شیلی، اروگوئه، کوبا، نیکاراگوئه و کلمبیا افتتاح شد و آغاز به کار کرد و با توجه به اعمال برخی تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری و اقتصادی از سوی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران به منظور تأمین کالاهای ضروری خود متوجه این منطقه شد. بدین ترتیب کشورهایی مانند آرژانتین، برزیل و اروگوئه به عمده‌ترین مبادی وارداتی ایران از منطقه آمریکای لاتین تبدیل شدند. به‌رغم توسعه چشم‌گیر روابط تجاری بین ایران و کشورهای منطقه آمریکای لاتین، روابط سیاسی فاقد توسعه‌یافتگی در حد انتظار بود؛ به طوری که در مقطعی همه کشورهای آمریکای لاتین، جز کوبا و نیکاراگوئه، به قطعنامه‌های سیاسی کمیسیون حقوق بشر درباره وضعیت حقوق بشر در ایران رأی مثبت می‌دادند (ضیایی، ۱۳۸۵: ۵۸-۵۷).

توسعه روابط با کشورهای آمریکای لاتین در دوره آقای خاتمی خود را در دیدارهای دوجانبه نمایان کرد: دیدار آقای خاتمی از هاوانا در سپتامبر ۲۰۰۰ و دعوت از رهبر کوبا، فیدل کاسترو، برای سفر به تهران که برای اولین بار در می ۲۰۰۱ انجام گرفت. ایران و کوبا همچنین در بسیاری موضوعات و مسائل نظام بین‌الملل همانندی‌هایی دارند و همفکرند؛ از جمله اصلاحات در سازمان ملل متحد و شورای امنیت و موضوعات هسته‌ای و مسائل دیگر که موجب دشمنی آمریکا با کوبا و جمهوری اسلامی ایران و قرار گرفتن کوبا (۱۹۸۲) و ایران (۱۹۸۴) در فهرست دولت‌های ترور وزارت امور خارجه آمریکا شده است.

دومین سفر آقای خاتمی به کاراکاس در سال ۲۰۰۵ انجام گرفت. در این سفر دو طرف بیش از بیست توافق در موضوعات مختلف کشاورزی، بازسازی، انرژی، پتروشیمی و تکنولوژی امضا کردند. در این دیدار چاوز مدال افتخاری لیبراتور را به آقای خاتمی اهدا کرد و قول داد ونزوئلا از حقوق ایران در انرژی هسته‌ای دفاع کند. دیدار معاون اول آقای خاتمی، دکتر حسن حبیبی، از کلمبیا، ونزوئلا و کوبا از دیدارهای دیپلماتیک دیگر است. در سال ۲۰۰۱ هوگو چاوز قبل از سفر به ایران از عربستان دیدار و در موضوعاتی مانند بی‌ثباتی قیمت نفت و ترغیب اعضا برای هماهنگی در تولید و قیمت نفت گفت‌وگو کرد. هوگو چاوز در دیدار دوم از تهران در نوامبر ۲۰۰۴ خواستار روابط استراتژیک ونزوئلا با ایران شد. در همین سال انجمن دوستی ایران و ونزوئلا تأسیس شد. علاوه بر این دیدارها، وزرای امور خارجه ونزوئلا، اروگوئه و کوبا و رئیس مجلس کلمبیا نیز به ایران سفر و با مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران دیدار کردند. ارتباط رسمی بین دو طرف محدود به دیدارهای دوجانبه نمانده است و در سازمان‌های

بین‌المللی نیز دیدارها و رایزنی‌هایی بین دو طرف شده است. دیدار رئیس‌جمهور ایران (آقای خاتمی) و برزیل (آقای داسیلوا) در جاکارتا در حاشیه نشست جنبش عدم تعهد نمونه‌ای از آن است. در سال ۱۳۸۴ با تغییر دولت در جمهوری اسلامی ایران، اتخاذ رویکرد متفاوت در سیاست خارجی و ایجاد وضعیت‌ها و موقعیت‌های جدید در آمریکای لاتین موجب توسعه بیش از پیش روابط ایران با کشورهای این منطقه شد (عطایی، ۱۳۹۰: ۷۳-۷۴).

۲. روابط جمهوری اسلامی ایران - آمریکای لاتین در دولت‌های نهم و دهم (۱۳۸۴-۱۳۹۲) آغاز تحول در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه آمریکای لاتین به روی کار آمدن هوگو چاوز در ونزوئلا در سال ۱۹۹۸ و گسترش روابط با ایران برمی‌گردد؛ اما اوج پویایی و گسترش روابط را باید در ۸ سال اخیر جست‌وجو کرد. دلیل نخست آن گسترش موج دولت‌های مستقل در آمریکای لاتین با رویکرد چاویسم بوده است که نظام‌های سیاسی سایر کشورها را دربرگرفت و با شیوه‌های اصلاح‌گرایانه و کسب قدرت از طریق مشارکت دموکراتیک راه را برای توده‌های فقیر باز کرد و حکومت‌های بومی مانند مورالس در بولیوی، دانیل اورتگا در نیکاراگوئه و رافائل کونرا در اکوادور در کنار کوبا به رهبری فیدل کاسترو، الگوی سوسیال دموکراتیک جدیدی را با رویکرد استقلال‌طلبانه، عدالت‌خواهانه، ضد سلطه و اتحاد بولیواری برای ملت‌های آمریکای لاتین به نام «آلبا» بنیان نهادند. از سوی دیگر روی کار آمدن دولت نهم در ایران و اتخاذ رویکرد تعامل سازنده و انتقاد شدید از نوع مدیریت جهانی به ویژه سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه غرب و آمریکا موجب نزدیکی هر بیشتر ایران و بعضی کشورهای آمریکای لاتین شد.

این ادبیات مشترک با رویکرد استقلال‌طلبانه، عدالت‌خواهانه، ضد سلطه و مبارزه با طبقاتی شدن نظام بین‌الملل از مؤلفه‌های بسط روابط خارجی دولت‌های نهم و دهم با کشورهای اتحادیه آلبا در آمریکای لاتین به شمار می‌آید. تحولات سیاسی در این منطقه مورد توجه جدی دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت؛ به گونه‌ای که با اتخاذ رویکردهای سیاسی-اقتصادی سعی در افزایش نفوذ و تقویت روابط با آمریکای لاتین داشتند. در مقایسه با دولت‌های سابق، دولت‌های نهم و دهم توسعه روابط با آمریکای لاتین را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دادند. بر همین اساس سفرهای دیپلماتیک دکتر محمود احمدی‌نژاد به کشورهای ونزوئلا در سال





۲۰۰۶؛ ونزوئلا، نیکاراگوئه و اکوادور در سال ۲۰۰۷؛ ونزوئلا و بولیوی در سال ۲۰۰۷؛ برزیل، ونزوئلا و بولیوی در نوامبر ۲۰۰۹ انجام گرفت. همچنین دکتر احمدی‌نژاد میزبان نهمین سفر آقای چاوز به تهران و رؤسای جمهور نیکاراگوئه (اورتگا)، بولیوی (مورالس) و اکوادور (کوئهرآ) و سفر لولا داسیلوا برزیلی به تهران در سال ۲۰۱۰ بوده است. سفر رئیس‌جمهور برزیل به ایران با هدف شرکت در نشست گروه ۱۵ و گسترش روابط دوجانبه انجام گرفت. در حاشیه این نشست، مذاکراتی بین رؤسای جمهور ایران، برزیل و نخست‌وزیر ترکیه شد که به امضای بیانیه تهران، به منظور حل موضوع هسته‌ای ایران و مبادله سوخت هسته‌ای انجامید (عطایی، ۱۳۹۰: ۷۷).

سفرهای متعدد رئیس‌جمهور ایران به کشورهای کوبا، نیکاراگوئه، بولیوی، ونزوئلا، اکوادور و برزیل و استقبال مردمی از ایشان نشان از نهادینه شدن ادبیات سیاسی ضد سلطه و آرمان‌های عدالت‌خواهانه و استقلال‌طلبانه جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی این منطقه دارد. درکنار این اقبال مردمی شاهد توسعه روابط سیاسی ایران و کشورهای این منطقه در سایه ظرفیت‌های مردمی هستیم که یکی از فضاهای ایجادشده برای توسعه و تحکیم روابط طرفین است که در دولت‌های نهم و دهم با توجه به رویکرد جدید آن سعی شد حداکثر بهره از آن در افزایش و ارتقای مناسبات گرفته شود. بدین منظور در دولت نهم برای شناخت بیشتر افکار عمومی و دانشجویان دو طرف از یکدیگر کنفرانس بین‌المللی آمریکای لاتین در فوریه ۲۰۰۷ برگزار شد. در این کنفرانس که با حضور وزیر خارجه ایران، معاون آموزش و پژوهش وقت، قائم مقام وزارت و مقامات کشورهای آمریکای لاتین و استادان دانشگاهی در وزارت امور خارجه برگزار شد، آقای مصطفوی اعلام کرد سفارت‌خانه‌های ایران در شیلی، کلمبیا، اکوادور، نیکاراگوئه، اروگوئه و دفتر نمایندگی ایران در بولیوی و سفارت‌خانه تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین در تهران بازگشایی خواهند شد.

### علل توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آلبا

روابط دیپلماتیک بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین در صد سال اخیر اعم از دوران پیش از انقلاب و پس از آن در سطحی بسیار محدود قرار داشت که علل آن را می‌توان فاصله جغرافیایی زیاد، تفاوت‌های نژادی، مذهبی و زبانی، بی‌ثباتی سیاسی در آمریکای لاتین، ناهمگونی خط‌مشی‌های سیاسی و از همه مهم‌تر هژمونی ایالات متحده بر این منطقه دانست. بر همین اساس موضوع آمریکای لاتین در کشور ما



چه در بخش سیاسی چه در بخش اقتصادی موضوعی جدید است؛ به عبارت دیگر تا چندی پیش در اولویت‌بندی‌های سیاست خارجی و اقتصادی ما قرار نداشت، ولی به دو دلیل توسعه روابط در چند سال اخیر گسترش یافته است: نخست، گسترش موج دولت‌های مستقل در آمریکای لاتین با رویکرد چاویسم، فضایی بسیار متفاوت از آنچه در این منطقه حاکم بود، رقم زده و باعث روی کار آمدن دولت‌های مردمی در این منطقه شده است. دوم، روی کار آمدن دولت آقای دکتر احمدی‌نژاد در ایران و رویکرد متفاوت وی به سیاست خارجی؛ در برنامه‌های دولت احمدی‌نژاد، آمریکای لاتین فرصتی مناسب برای سیاست خارجی ما بود. در این قسمت ابتدا به اتحادیه آلبا و کشورهای عضو آن خواهیم پرداخت، سپس علل توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با منطقه آمریکای لاتین را در دو بخش شکل‌گیری جریان و تفکر چاویسم و رویکردهای سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم توضیح خواهیم داد.

#### ۱. جنبش بولیواری - اتحادیه کشورهای آلبا

یکی از اهداف بزرگ سیمون بولیوار اتحاد، همبستگی و همکاری متقابل کشورهای آمریکای لاتین با یکدیگر بود. در اندیشه‌های سیمون بولیوار ویژگی‌های ضد امپریالیستی و ضد استثماری وجود داشت؛ چنان‌که در سال ۱۸۲۹ در نامه‌ای به پاتریسیو کامپیل جمله‌ای نوشت که هنوز هم مصادیق و پویایی خاص خود را حفظ کرده است: «تقدیر ظاهراً چنین خواسته که ایالات متحده آمریکا به بهانه آزادی، مردم قاره آمریکا را به خاک سیاه بنشانند» (Simon io Campbel, 5 August 1829).

سیمون بولیوار علیه تبعیض و بی‌عدالتی به ویژه ستمی که بر بومیان اعمال می‌شد، قیام کرده بود و به غارت منابع و معادن غنی آمریکای لاتین توسط استعمارگران اعتراض داشت. بولیوار بر دفاع از استقلال ملی، رفع تبعیض و حل نابرابری‌های اجتماعی تأکید می‌کرد (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۵).

با پیروزی هوگو چاوز در انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا بار دیگر ایده‌های سیمون بولیوار زنده شد و توسل چاوز به سیمون بولیوار به عنوان قهرمان آزادی آمریکای لاتین و عبور پنهان وی از نمادهای ایدئولوژیکی و چهره‌های مارکسیستی مانند چه‌گوارا و فیدل کاسترو، هوشمندانه و زیرکانه بود. چاوز در مقابله با نئولیبرالیسم و گسترش فاصله طبقاتی ناشی از آن به حمایت سازماندهی‌شده از محرومان و بومیان پرداخت و حس مشارکت فعال در عرصه سیاست و اقتصاد را در آنها برانگیخت. در سال‌های اخیر



موج چاویسم نظام‌های سیاسی سایر کشورها را دربرگرفت و شیوه‌های اصلاح‌گرایانه و کسب قدرت از طریق مشارکت دموکراتیک راه را برای توده‌های فقیر و بومیان باز کرد و حکومت بومیان از طریق صندوق‌های رأی شکل گرفت. پس از پیروزی هوگو چاوز در ونزوئلا، در سال ۲۰۰۶ مورالس در مشی عدالت‌گرایانه به عنوان اولین رئیس‌جمهور بومی در بولیوی، و دانیل اورتگا با مشی اعتدال‌گرایانه برای دومین بار در نیکاراگوئه رئیس‌جمهور شد و رافائل کوئه‌را نیز با تغییر رویکرد اقتصادی از نفولبرالیسم و سرمایه‌داری به اقتصاد مردمی در اکوادور به عنوان یک اقتصاددان به ریاست‌جمهوری رسید (ملک محمدی، ۲۰۰۶).

این کشورها در کنار کوبا به رهبری فیدل کاسترو، الگوی سوسیال دموکراتیک جدیدی را با رویکرد استقلال‌طلبانه، عدالت‌خواهانه و ضد سلطه پیش گرفتند و اتحاد بولیواری برای ملت‌های آمریکای لاتین (آلبا) را بنیان نهادند. اکنون آمریکای لاتین تاریخ سیاسی تازه‌ای آغاز کرده است و مردم عدالت‌خواهی و رفع تبعیض را با شور، نشاط و مشارکت دموکراتیک تعقیب می‌کنند و برای زندگی آزاد و انسانی پیکار و روح و اساس این پیکار را در چشم‌انداز اتحادیه بولیواری برای ملت‌های آمریکای لاتین (با نام اختصاری آلبا) که با ابتکار چاوز در سال ۲۰۰۶ بنیان نهاده شد، دنبال می‌کنند. کشورهای ونزوئلا، کوبا، نیکاراگوئه، بولیوی و اکوادور اعضای این اتحاد هستند.

## ۲. شکل‌گیری جریان و تفکر چاویسم

پایان جنگ سرد که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همراه بود موجب گشایش‌هایی در منطقه آمریکای لاتین شد که اولین آن سقوط دولت‌های نظامی و احیای حکومت‌های دموکراتیک بود. در خلأ ایجادشده از رقابت میان ابرقدرت‌ها و سقوط دولت‌ها و حکومت‌های نظامی، فضایی باز نه تنها داخل کشورهای آمریکای لاتین برای استقرار دموکراسی فراهم آمد، بلکه موجب رشد گرایش‌های ملی‌گرایانه و افزون‌طلبی این کشورها برای ایفای نقشی مستقل در نظام بین‌المللی شد. این فضا به رشد نیروهای ملی‌گرا و چپ‌های نوین انجامید. شاید اولین کشور موفق در این زمینه ونزوئلا باشد. در سال ۱۹۹۸ چاوز که فردی نظامی بود، با شعار عدالت و مبارزه با تبعیض در میان ناباوری به قدرت رسید. ونزوئلا با چرخش‌های ساختاری و عدالت‌خواهانه ضد سرمایه‌داری به مقابله آشکار با امپریالیسم و نفولبرالیسم و ارائه الگوی جدید اقتصادی - سیاسی برای کشورهای آمریکای لاتین پرداخت که با عنوان بولیواریسم از آن یاد

می‌شود و گاهی نام «انقلاب» به خود می‌گیرد. توسل چاوز به سیمون بولیوار به عنوان قهرمان آزادی، اتحاد و عدالت و ارائه رویکرد بولیواریسیم به عنوان مکتبی سیاسی و اجتماعی، راه مناسبی برای طرح معضلات و مسائل اجتماعی ناشی از نئولیبرالیسم اقتصادی در کشورهای است که از نظر ساختاری آمادگی لازم را برای مشارکت و اجرای آن ندارند. در اندیشه‌های بولیواری ویژگی‌های ضد امپریالیستی و ضد استثماری وجود دارد. بولیوار علیه تبعیض و بی‌عدالتی به ویژه ستمی که بر بومیان اعمال می‌شد، به پاخاست و به غارت منابع و معادن غنی آمریکای لاتین توسط استعمارگران اعتراض و بر دفاع از استقلال ملی، رفع تبعیض و حل نابرابری‌های اجتماعی تأکید کرد.

بنابراین رشد احساسات ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه ویژگی و مزیتی است که آمریکای لاتین در سایه آن برای حضور مؤثر در صحنه بین‌المللی آماده می‌شود. میل به همکاری در منطقه و مطرح شدن به عنوان یک قطب در صحنه سیاست و اقتصاد جهانی، باز شدن پای رقبای اروپایی و آسیایی به این منطقه، رشد احساسات ضد آمریکایی نزد افکار عمومی و فکر ایجاد اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین همگی طی سال‌های اخیر در اندیشه و تفکر چاوز مشاهده شده است.

در نتیجه مهم‌ترین مبانی، اولویت‌ها و مؤلفه‌های سیاست خارجی جدید کشورهای اتحادیه آلبا در منطقه آمریکای لاتین را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

الف) تلاش برای به‌دست آوردن نقش مستقل در سیاست‌گذاری و خروج از فشار عوامل خارجی؛

ب) تلاش برای اثرگذاری بیشتر در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و به‌دست آوردن جایگاه مناسب در تجارت جهانی؛

ج) تقویت پیوندهای دوستی و تحکیم روابط با کشورهای خارج از حوزه سنتی؛  
د) ایجاد همگرایی و مطرح شدن آمریکای لاتین در نظام بین‌الملل به عنوان یک زیر سیستم تأثیرگذار؛

ه) تضمین رشد و جهش اقتصادی؛

و) اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی (سیستم چندقطبی) و نفی یکجانبه‌گرایی؛

ز) اتخاذ رویکرد صنعتی شدن و تنوع صادراتی همگام با متنوع‌سازی شرکای اقتصادی و مناسبات سیاسی برای کسب منافع و کاهش آسیب‌پذیری و اتکا به اقتصادهای دیگر؛

ح) در عصر جهانی شدن که متضمن رقابت اقتصادی است، آمریکای لاتین برای



تضمین رشد و جهش اقتصادی خود ملزم به کاهش تعرفه‌های حمایتی است و آمادگی برای رقابت با تأثیرگذارترین اقتصادها را به عنوان یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده است (فصلنامه تخصصی دولت اسلامی، ۱۳۸۷).

بسیاری از این مؤلفه‌های سیاست خارجی کشورهای اتحادیه آلبا و همچنین اندیشه و تفکرات چاوز با مؤلفه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هم‌خوانی و مطابقت دارد؛ از این رو این احساس هماهنگی و همگنی طرفین در ادبیات سیاسی سبب شده است جمهوری اسلامی ایران درصدد توسعه و گسترش روابط با کشورهای این منطقه باشد. سیاست استقلال‌طلبی و ضد هژمونیک در تفکرات و اندیشه چاوز به منظور استقرار نظام چندقطبی از زمینه‌های مشترک بین دو طرف در بسط و گسترش روابط است که زمینه ایجاد یک بلوک قدرت در جنوب برای مقابله با نظام تک‌قطبی و دوری از انزوای سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی را نیز فراهم می‌کند.

۳. تغییر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم دولت‌ها عموماً براساس عواملی مانند ایدئولوژی حاکم، ارزش‌های مسلط، موقعیت ژئوپلیتیکی کشور و شرایط جامعه جهانی، سیاست خارجی خود را طراحی می‌کنند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در تداوم سیاست داخلی معنا و مفهوم می‌یابد. وقوع انقلاب اسلامی جوهره سیاست خارجی ایران را تغییر داد و سیاست خارجی طبق اصول و موازین نه شرقی - نه غربی و بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت طراحی شد (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). اگرچه دولت‌های قبلی نیز با رعایت این موازین و اصول عمل می‌کردند، دولت‌های نهم و دهم با رویکردی جدید در حرکتی شتابان به سمت جایگاه واقعی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی خیزش و جهت‌گیری ویژه‌ایی داشتند. این رویکرد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس سند چشم‌انداز بیست ساله و اجرایی شدن دکترین تعامل سازنده مطرح‌شده در این سند اتخاذ شد. بر همین اساس دکتر احمدی‌نژاد در بحث تعامل سازنده با نظام بین‌الملل می‌گوید: «چرا روابط با نظام بین‌الملل اهمیت دارد؟ چون بدون ارتباطات تنظیم روابط خارجی امکان ندارد؛ بدون حضور مؤثر در مدیریت بین‌الملل امکان حیات برای یک ملت وجود ندارد؛ به خصوص برای ملت ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و نوع نگاه ملت ایران اصلاً نمی‌توان

به تحولات و تعاملات بین‌المللی بی‌توجه بود. اما اینکه کجا اولویت دارد؟ در نگاه اول همه جا اولویت دارد؛ با این حال، در دوره‌ای کوتاه می‌خواهید برنامه‌ریزی کنید. باید طبقه‌بندی کنید که بیشترین نتیجه‌گیری را داشته باشید. ما باید اول نگاه کنیم به اهداف‌مان در سیاست خارجی، بعد به زمینه‌های همراهی، همکاری و همگرایی و در انتها برنامه‌هایمان را برای رسیدن به آن اهداف تنظیم کنیم» (مصاحبه با احمدی‌نژاد، دهقانی فیروزآبادی و زوارزاده، ۱۳۹۲).

اما اینکه چرا کشورهای اتحادیه آلبا در آمریکای لاتین در اولویت سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم قرار داشتند؟ کشورهای منطقه آمریکای لاتین چند ویژگی دارند که باعث شده است با شعارها، آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیشترین همراهی، همکاری و همگرایی را داشته باشند:

۱. منطقه آمریکای لاتین حدود ۴۰۰ سال چه در دوره‌های برده‌داری، استعماری و دوره نوین زیر سلطه غرب و ایالات متحده آمریکا سرکوب شد و برای مردم این سرزمین حق و هویت مستقلی قائل نبودند و مردم این منطقه را رعیت و تیول خود می‌دانستند؛ به همین علت انگیزه‌های انقلابی در کشورهای این منطقه بالاست و نهضت‌های انقلابی علیه استعمار، ظلم و سلطه شکل گرفته است.

۲. مردم منطقه آمریکای لاتین در برابر جمهوری اسلامی ایران و پیام‌های آن هیچ مقاومتی ندارند؛ زیرا هیچ زمینه استعماری و سلطه و سرکوب در سابقه ایران وجود ندارد که باعث ذهنیت منفی در افکار عمومی این منطقه نسبت به ایران شده باشد.

۳. نزدیکی منطقه آمریکای لاتین به قطب بزرگ سرمایه‌داری (ایالات متحده آمریکا) که این منطقه را حیات خلوت خود می‌داند. حضور جمهوری اسلامی ایران در این منطقه باعث گسترش عمق استراتژیک و همچنین عامل تهدیدزدایی از پیرامون جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

۴. ویژگی دیگر آمریکای لاتین شکل‌گیری جریان و تفکر چاویسم است. چاوز از تجربیات انقلابیونی مانند سیمون بولیوار استفاده و یک موج انقلابی مستقل و نه وابسته به مارکسیسم یا سرمایه‌داری ایجاد کرد. وی مدعی بود راهی جدید به نام سوسیالیسم قرن بیست و یکم پیش گرفته است تا بگوید ما مردمی، مذهبی و انقلابی هستیم. چاوز با تاریخ، فرهنگ، آموزه‌ها و آرمان‌های امام خمینی (ره) و جمهوری اسلامی ایران آشنا شده بود و اعتقاد داشت که راه نجات ملت‌های آزادی‌خواه، راه امام خمینی (ره) است. وی اعلام کرده بود که نسبت به ملت ایران احساس تعهد می‌کند



و راه را برای حضور جمهوری اسلامی ایران در این منطقه باز خواهد کرد (مصاحبه با احمدی‌نژاد، دهقانی فیروزآبادی و زوارزاده، ۱۳۹۲).

این ویژگی‌ها و همچنین تحولات و روابط ناعادلانه که در عرصه جهانی بر مبنای نظام سلطه و تک‌قطبی به رهبری آمریکا علیه کشورهای مستقل ایجاد شد، دولت‌های نهم و دهم را بر آن داشت به سمت همگرایی و همبستگی جهانی و منطقه‌ای گام بردارند. ایجاد ادبیات مشترک حول بسط عدالت و مبارزه با طبقاتی شدن نظام بین‌الملل و یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند باعث شکل‌گیری همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه آلبا در منطقه آمریکای لاتین شده است.

#### الف) ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل و تقابل با نظام سلطه

بارزترین وجه تجدیدنظرطلبی در سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم، مقابله نمایان و بنیادین با نظام سلطه جهانی بود؛ به همین علت استکبارستیزی به منزله یکی از اهداف استراتژیک در دستور کار سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم قرار گرفت. اولین گام در این راه شناساندن و معرفی ماهیت ظالمانه، غیرطبیعی و نامشروع نظام سلطه بود که در سخنرانی‌های آقای احمدی‌نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل کاملاً آشکار بوده است (مصاحبه با احمدی‌نژاد، دهقانی فیروزآبادی و زوارزاده، ۱۳۹۲). بر این اساس یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم مبارزه با نظام تک‌قطبی، ترفندهای نظام سلطه جهانی، مبارزه با انحصار قدرت در سطح جهانی و مقابله با استعمار فرانو بوده است.

برای تحقق این هدف سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم اقدام به ائتلاف‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با نظام هژمونیک و استکباری به رهبری آمریکا کرد که گسترش مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیایی، آفریقایی و به ویژه آمریکای لاتین و سیاست نگاه به شرق در این چارچوب انجام گرفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۸ - ۳۷).

هدف سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم تقویت استراتژی چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیرمتعهدها بود. بر مبنای این راهبرد، دولت‌های نهم و دهم اقدام به متنوع‌سازی روابط بین‌المللی خود از طریق فعال کردن اعضای جنبش عدم تعهد و برگزاری اجلاس

غیرمتمعهدها (شهریور ۱۳۹۱) در تهران و همچنین گسترش روابط با کشورهای جهان سوم همسو با سیاست‌های ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی در تمام مناطق جهان به خصوص کشورهای اتحادیه آلبا در منطقه آمریکای لاتین (ونزوئلا، نیکاراگوئه، بولیوی، کوبا و اکوادور) کردند و به همین منظور کشورهای مذکور در اولویت سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم قرار گرفتند. تلاش برای ایجاد جبهه جهانی ضد استکباری و ضد سلطه شامل کشورهای مستقل و ضد امپریالیسم آمریکای لاتین زمینه را برای همسویی و همکاری این کشورها با سیاست خارجی دولت نهم و دهم فراهم کرد. حضور ایران در منطقه نفوذ آمریکا در آمریکای لاتین امکان ایجاد ضد توازن در حوزه پیرامون را فراهم می‌کند و می‌تواند به تعدیل رفتار آن کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران ختم شود (متکی، ۱۳۸۵).

بنابراین دولت‌های نهم و دهم با آگاهی از معضلات نظام بین‌المللی و منطقه‌ای و با الهام از اصول مصرح قانون اساسی، سیاست‌هایی را در چارچوب اصول بنیادین عزت، حکمت، مصلحت و بهره‌مندی از رهیافت کلی‌تر و خلاق پیاده کردند که نمود بارز آن اتخاذ راهبرد ضد سلطه در عرصه بین‌الملل بوده است. شکل‌گیری چنین روند و وضعیتی ریشه در اصول و ارزش‌های اصیل و بنیادین انقلاب اسلامی ایران دارد که با روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد و اعلام مواضع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بازگشت به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران که در همسویی با سیاست‌های دولت‌های منطقه آمریکای لاتین قرار داشت، به تقویت و نزدیکی روابط و در نهایت بسط و گسترش همه‌جانبه روابط با کشورهای این منطقه انجامید (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

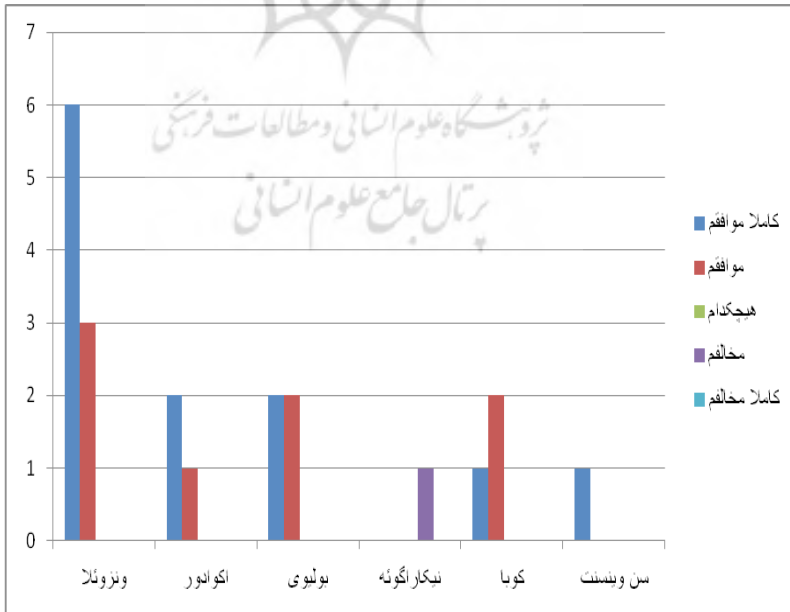
این کشورها با اتخاذ سیاست‌هایی در آمریکای لاتین که در تقابل با نظام سلطه، یک‌جانبه‌گرایی و تک‌قطبی‌گرایی اعمالی در نظام بین‌الملل بود، هم‌زمان به گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف پرداختند. کشورهای آمریکای لاتین با ایفای نقشی نو در نظام بین‌الملل و با اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی و مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی به سمت همگرایی با یکدیگر و مقابله با نظام سلطه در همه ابعاد آن رفته‌اند. برای مثال هوگو چاوز اقدام به راه‌اندازی شبکه تلویزیونی مشترک در سطح منطقه کرد که براساس شاخص‌های سیاسی ضد آمریکایی و ضد نظام سلطه شکل گرفته است. هدف این شبکه تلویزیونی (تله سور) که از ابتکارات آلباست (Arnsion, 2004: 39) و از سوی برخی کشورهای منطقه (ونزوئلا ۵۱ درصد،





کوبا ۱۹ درصد، اروگوئه ۱۰ درصد و آرژانتین ۲۰ درصد) تأمین بودجه می‌شود، پایان دادن به تفکر یک‌جانبه‌گرایی و سلطه‌جویی تحمیل‌شده از سوی آمریکا است که از طریق شبکه‌های بزرگی نظیر سی‌ان‌ان و فاکس نیوز تبلیغ می‌شود. در زمینه‌های دیگر می‌توان به تشکیل شورای دفاع اونسور به منظور همگرایی کشورهای آمریکای لاتین با یکدیگر و تلاش برای ازهم‌گسستن بندهای وابستگی و ایفای نقش مؤثر در ایجاد روندی نو در نظام بین‌الملل با عنوان نظام بین‌الملل چندقطبی مبتنی بر عدم سلطه‌پذیری اشاره کرد (شاه‌محمدی، ۱۳۸۸: ۲۳).

در نتیجه، نخستین عامل نزدیکی دولت‌های نهم و دهم به کشورهای آلبا در منطقه آمریکای لاتین دیدگاه مشترک درباره ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند و ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی آنها بوده است. این عامل بخشی از فرضیه‌ای است که در جواب سؤال اصلی این مقاله مطرح شده است. برای اثبات این بخش از فرضیه سؤالی را در پرسشنامه طرح کردیم که آیا دیدگاه مشترک کشورهای آلبا و جمهوری اسلامی ایران درباره ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند و حق و تو در شورای امنیت باعث نزدیکی آنها شده است؟ شرکت‌کنندگان در اجلاس غیرمتمهدها در تهران به این سؤال این‌گونه پاسخ دادند:



از ۲۱ نفر تکمیل‌کننده پرسشنامه (شامل وزرای امور خارجه، مسئول نمایندگی کشورهای آلبا در سازمان ملل، سفرای آلبا در تهران و کارشناسان سیاست خارجی) ۱۲ نفر به گزینه کاملاً موافقم و ۸ نفر به گزینه موافقم جواب دادند. در واقع ۹۵ درصد به این سؤال که «دیدگاه مشترک کشورهای آلبا و جمهوری اسلامی ایران نسبت به ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، یکجانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند و حق و تو در شورای امنیت باعث نزدیکی کشورهای عضو آلبا و جمهوری اسلامی ایران شده است»، جواب کاملاً موافق و موافق داده‌اند که ادعا و فرضیه ما را اثبات می‌کند (زوارزاده، اجلاس غیرمتعهد، ۱۳۹۲).

### ب) استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی

کانون مرکزی سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم عدالت‌طلبی بوده است؛ بر این اساس دکتر احمدی‌نژاد در مبارزات انتخاباتی نهمین دوره ریاست‌جمهوری در بهار ۱۳۸۴ شعار اصلی و محور برنامه‌های خود را عدالت‌محوری و عدالت‌گستری اعلام کرد. عدالت از نگاه وی، تنها به سیاست داخلی دولت محدود نمی‌شود، بلکه کانون مفصل‌بندی و هویت‌یابی سیاست خارجی آن است. در این زمینه وزیر امور خارجه وقت، تصریح می‌کند: «سیاست خارجی دولت نهم تقویت گفتمان مبتنی بر عدالت‌محوری، پذیرش حق برابر کشورها در نقش‌آفرینی آنها در ایجاد نظام نوین و عدالت‌مدار جهانی است». عدالت‌خواهی در سیاست خارجی مستلزم مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفان است که نمود عینی و ملموس آن را در سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم می‌توان در رویارویی با آمریکا به منزله نوک پیکان سلطه‌گری و استکبار و حمایت از فلسطین مشاهده کرد. دولت‌های نهم و دهم خواستار تحقق عدالت‌خواهی در دو حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی بودند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۸ - ۳۷).

یکی از مؤلفه‌های بنیادین در سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم موضوع عدالت‌خواهی در نظام بین‌المللی است. روند نظام بین‌الملل کنونی طبق نظریه عدالت، بر پایه بی‌عدالتی بنیان شده است و استمرار دارد. این بی‌عدالتی ناشی از قدرت‌گرایی و سلطه‌گرایی نهفته در آن است. برای مثال شورای امنیت سازمان ملل متحد با امنیت جهانی و بین‌المللی سروکار دارد نه با عدالت. این شورا نظامی تبعیض‌گرانه و غیردموکراتیک دارد که هیچ مسئولیت و نظارتی برای تخلف و قانون‌شکنی اعضای دائم خود قائل نیست و در بسیاری موارد نخواستار یا نتوانسته است به مصوبات و تصمیم‌های



معطوف حقوق ملل عضو جامه عمل بپوشد. تقویت استراتژی چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌الملل و مبارزه و تقابل با یکجانبه‌گرایی و نظام سلطه جهانی و عبور از سیاست منفعلانه در تقابل با قدرت‌های بزرگ و فرار گرفتن در جایگاه مدعی نه متهم از رویکردهای دولت‌های نهم و دهم در بسط و گسترش عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در نظام بین‌الملل بوده است (مولانا، ۱۳۸۸: ۹۸).

گفتمان عدالت از منظر دولت‌های نهم و دهم در روابط بین‌المللی مستلزم مقابله با نظام تک‌قطبی و اتخاذ سیاست خارجی چندجانبه‌گراست. گفتمان عدالت در نظام بین‌الملل یکی از اولویت‌ها و اصول مهم سیاست خارجی کشورهای آلبا نیز به شمار می‌رود که نمود آن نفی سلطه و استقلال از سلطه سیاسی و اقتصادی آمریکا و تلاش برای برقراری نظام عادلانه بین‌المللی بعد از فروپاشی جنگ سرد بوده است.

از آنجا که دیدگاه‌های برخی سران کشورهای آمریکای لاتین بر ضدیت با امپریالیسم و نظام سرمایه‌داری به رهبری آمریکا استوار است و با تأکید بر لزوم همگرایی منطقه‌ای به دنبال تعدیل و تغییر در روابط ناعادلانه حاکم بر نظام بین‌المللی اند، رویکرد سیاست خارجی آنها نیز معطوف عدالت‌محوری است و هدف آن مقابله با نظام سلطه در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. رویکرد ضد امپریالیستی، ضد سلطه و عدالت‌محور کشورهای منطقه آمریکای لاتین هم واکنش در برابر سلطه و فشار خارجی به این کشورها بوده و هم بنیادی بومی و منطقه‌ای دارد. کشورهای این منطقه تمام تلاش خود را برای مبارزه با سیاست‌های برتری‌جویانه و جنگ‌طلبانه به کار گرفته‌اند تا صلح و ثبات را در این منطقه برقرار کنند. رویکرد و شاخص‌های عدالت‌محوری را می‌توان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و در سیاست خارجی و داخلی کشورهای آلبا در منطقه آمریکای لاتین مشاهده کرد. برای مثال در ونزوئلا رویکرد عدالت‌محور در داخل بر ایجاد تعاونی‌های روستایی از سوی هوگو چاوز و ملی کردن برخی مؤسسات و مبارزه با رویکرد نئولیبرالیستی در اقتصاد بوده است. این رویکرد عدالت‌محور را در اکوادور، بولیوی، نیکاراگوئه و حتی در برزیل می‌توان دید که باعث پیروزی داسیلوا و متعاقب آن دیلما روسف در انتخابات برزیل شد (عطایی، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۸).

با بررسی مبانی و اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آلبا و شاخص‌های گفتمان عدالت در سیاست خارجی و داخلی این دولت‌ها می‌توان گفت شاخص‌های عدالت در گفتمان دولت‌های نهم و دهم و گفتمان عدالت سوسیالیستی و منطقه‌ای در آمریکای لاتین در اقتصاد و سیاست تقریباً مشابه است

که نتیجه آن همسویی تعدادی از دولت‌های همگن اتحادیه آلبا با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است که به دنبال تعدیل ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل و روابط دولت‌ها هستند. نقطه اشتراک گفتمان عدالت در دولت نهم با این دولت‌ها در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی است. گفتمان عدالت در دولت نهم که منبعت از عدالت اسلامی است، با بنیادی دینی تمام حوزه‌های زندگی بشر از امور معنوی و غیرمعنوی را شامل می‌شود؛ اما گفتمان سوسیالیستی عدالت و ناسیونالیستی و بومی منطقه آمریکای لاتین غالباً به امور اقتصادی و سیاسی و مادی توجه می‌کند. همراهی و هم‌مسیر شدن این دو گفتمان در حوزه سیاست و اقتصاد و در مواردی در حوزه فرهنگ در برابر آمریکا و نظام و ساختار ناعادلانه بین‌المللی می‌تواند آنها را به مجموعه‌ای منسجم و قدرتمند در برابر کشورهای بزرگ سرمایه‌داری تبدیل کند.

بر همین اساس رویکرد استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه بخشی دیگر از فرضیه ماست و یکی از سؤال‌هایی که مطرح کردیم این بود: «آیا رویکرد استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه جمهوری اسلامی ایران و اعضای آلبا در سیاست خارجی باعث همگرایی کشورهای آلبا و جمهوری اسلامی ایران شده است؟» الف) کاملاً موافقم؛ ب) موافقم؛ ج) هیچ‌کدام؛ د) مخالفم؛ و) کاملاً مخالفم.



نتایج حاصل از این پرسش حاکی از توافقی ۱۰۰ درصدی بوده است که رویکرد استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه جمهوری اسلامی ایران و اعضای آلبا در سیاست

خارجی باعث همگرایی آنها شده است. بدین ترتیب فرضیه دوم ما نیز اثبات شد (زوارزاده، اجلاس غیرمتعدد، ۱۳۹۲).

#### ۴. توسعه روابط با آلبا و جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم در منطقه آمریکای لاتین به ویژه کشورهای آلبا براساس محورهای زیر شکل گرفته است:

الف) تهدیدزدایی از پیرامون نظام جمهوری اسلامی ایران و ایجاد روندهای نوین تأثیرگذار بین‌المللی؛

ب) گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران.

الف) تهدیدزدایی از پیرامون نظام جمهوری اسلامی ایران و ایجاد روندهای نوین تأثیرگذار بین‌المللی از آنجا که نظام سلطه جهانی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا در دنیای آشفته امروز تهدیدهای متنوعی حول منافع و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران سازماندهی می‌کنند، بدیهی‌ترین و روشن‌ترین اصل در تنظیم هر راهبرد سیاست خارجی تهدیدزدایی و کاربست دیپلماسی خلاق محور و ابتکاری است. با توجه به اینکه حوزه سیاست خارجی ایران بعضاً با مسائل امنیتی در سطح منطقه‌ای و جهانی پیوند خورده، لازم است دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نیز در این ارتباط با دقت بیشتری مسائلی را که در حوزه امنیتی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذارند، مورد توجه قرار دهد. اگرچه منطقه آمریکای لاتین در دایره اولیه حوزه امنیتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار ندارد و تهدیدهای نظامی و اقتصادی از سوی کشورهای این منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران متصور نیست، برخی مسائل، غیرمستقیم بر منافع و امنیت تمام کشورها تأثیر گذارند. یکی از موارد پیوند مسائل ایران با سایر مناطق جهان در سال‌های اخیر موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. تعدادی از کشورهای این منطقه مانند برزیل، آرژانتین، ونزوئلا و کوبا از اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا جزو اعضای غیردائم شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند؛ از این رو نقش سیاسی و مواضع این کشورها در طرح احتمالی هر اقدامی علیه یا به نفع جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأثیرگذار است. بر همین اساس کشورهای منطقه آمریکای لاتین به خصوص اعضای آلبا در اولویت سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم قرار گرفته



بودند. توسعه روابط با این کشورها باعث تهدیدزدایی و ایجاد روندهای جدید در نظام بین‌المللی و جلب نظر مساعد کشورهای هم‌جبهه به ویژه در رفع تهدیدها و جلوگیری از انزوای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

#### ب) گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

با توجه به پتانسیل‌های سیاسی و اقتصادی و زیرساخت مناسب کنونی در منطقه آمریکای لاتین، دولت‌های نهم و دهم در تلاش بودند در تعامل با کشورهای دوست از جمله کوبا، ونزوئلا، بولیوی، اکوادور، نیکاراگوا، برزیل و کشورهای دیگر این منطقه به چارچوبی دست یابند که بر اساس امکانات موجود در این منطقه، فضای مناسبی برای فعال کردن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم آید. در همین راستا دولت‌های نهم و دهم اقدام به افزایش و تأسیس سفارتخانه در برخی کشورهای این منطقه کردند. افتتاح شش سفارتخانه جدید در کشورهای آمریکای لاتین تعداد سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در این منطقه را به یازده سفارتخانه رساند. در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، جمهوری اسلامی ایران شش سفارتخانه در کشورهای کلمبیا، نیکاراگوئه، شیلی، اکوادور، اوروگوئه و بولیوی علاوه بر سفارتخانه‌های موجود در کوبا، آرژانتین، برزیل، مکزیک و ونزوئلا بازگشایی کرد. در نهایت دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران ضمن تهدیدزدایی و فرصت‌سازی به عنوان اولویت‌های اولیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که دربرگیرنده منافع فوری و دفع خطرهای سریع است، با اتخاذ سازوکارهای بلندمدت مناسب از جمله راهبردهای فرهنگی، ابزارهای تجاری و اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری مشترک و تقویت دیپلماسی عمومی در این منطقه توان گسترش نفوذ و موقعیت را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین تعریف کردند؛ به گونه‌ای که تعریف این موقعیت جدید موجب گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران تا نزدیک مرزهای آمریکا شد.



## نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دلایل اولویت یافتن کشورهای آلبا در آمریکای لاتین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحولات جدید در این منطقه با به قدرت رسیدن هوگو چاوز در ونزوئلا و همچنین روی کار آمدن دولت‌های نهم و دهم در جمهوری اسلامی ایران و تشابه مواضع آنها در نظام بین‌الملل و رویکردهای سیاست خارجی آنها بوده است. نگاه‌های مشترک هر دو طرف به ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل و یک‌جانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند و سیاست ضد سلطه و ضد امپریالیستی، استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی آنها و تجربه تاریخی مشترک هر دو طرف که به نحوی طعم تلخ سلطه طولانی‌مدت، استعمار و حکومت‌های دیکتاتور و دست‌نشانده را تجربه کرده‌اند، در کنار پیشینه منفی آمریکا در هر دو منطقه از علل دیگر بسط و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی بوده است. کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران، ونزوئلا، اکوادور، کوبا، بولیوی، نیکاراگوئه را باید یک اپوزیسیون بین‌المللی تلقی کرد که نظم موجود و ساختارهای حاکم بر آن را ناعادلانه می‌دانند و در اندیشه تغییر یا اصلاح یا خواهان نقش‌آفرینی در آن هستند. براساس شاخص‌هایی که در سؤال‌های پرسشنامه به عنوان فرضیه در نظر گرفتیم، رویکرد مشترک جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه آلبا در سیاست خارجی در قبال ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل و تقابل با نظام سلطه، با ۹۵ درصد، و رویکرد استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه با ۱۰۰ درصد، از عوامل همگرایی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه آلبا (ونزوئلا، کوبا، نیکاراگوئه، اکوادور، بولیوی) بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع فارسی

- ابراهیم بای سلام، غلام حیدر (۱۳۸۰)، «از ساختارگرایی تا بولیوارسیم»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی آمریکای لاتین دفتر مطالعات.
- اداره کل آمریکای وزارت امور خارجه و معاونت پژوهش مرکز پژوهش و اسناد (۱۳۸۷)، «دستاوردهای دولت نهم در روابط خارجی با کشورهای آمریکای لاتین»، گزارش جمهور ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی، ش ۲۵.
- اسماعیل‌پور، اکبر (۱۳۸۵)، «آمریکای لاتین در پرتو نگاهی مفهومی»، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، ش ۲۰۰.
- اعلی فریمان، هادی (۱۳۸۰)، «جایگاه آمریکای لاتین در نظام بین‌الملل و تأثیر آن بر روابط با جمهوری اسلامی ایران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی آمریکای لاتین دفتر مطالعات.
- آفتاب (۱۳۸۷)، «اهداف مشترک کشورهای آمریکای لاتین».
- دهقانی فیروز آبادی و غلامعلی زوارزاده (۱۳۹۲)، «مصاحبه اختصاصی با آقای احمدی نژاد»، رئیس‌جمهور دولت نهم و دهم، خرداد.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی رهایی‌بخش»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (بی‌تا)، «نظریه انتقادی: چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۱۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی دولت نهم»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۳۱.
- زوارزاده، غلامعلی (۱۳۹۱)، «مصاحبه با آقای اکبر اسماعیل‌پور»، کارشناس ارشد آمریکای لاتین، بهمن.
- زوارزاده، غلامعلی (۱۳۹۱)، «مصاحبه با آقای مرتضی تفرشی»، کارشناس آمریکای لاتین، بهمن.
- زوارزاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، «مصاحبه اختصاصی با آقای مورالس»، رئیس‌جمهور بولیوی، در اجلاس اوپک گاز مسکو، تیر.
- سایت شبکه خبر، گروه تحقیق و تفسیر خبر، ایران - آمریکای لاتین، مدیریت مناسبات به روش جدید.
- سبحانی، احمد (۱۳۸۹)، «در برابر نظام سلطه»، همشهری دیپلماتیک، ش ۴۳.
- شاه‌محمدی، پریسا (۱۳۸۸)، «روند همگرایی در آمریکای لاتین و نقش آمریکا در





- معادلات سیاسی و نظامی منطقه»، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، ش ۲۳۹.
- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۰)، «چرا آمریکای لاتین در اولویت سیاست خارجی ایران قرار دارد»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی آمریکای لاتین دفتر مطالعات.
- ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۰)، «جایگاه آمریکای لاتین در نظام بین‌الملل و تأثیر آن بر روابط با جمهوری اسلامی ایران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی آمریکای لاتین دفتر مطالعات.
- عطایی، بلال (۱۳۹۰)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم در منطقه آمریکای لاتین.
- متکی، منوچهر (۱۳۸۷)، سیاست خارجی دولت نهم: یک سال بعد، مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه.
- محمدی، منوچهر (بی‌تا)، مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل، تهران: جمهور.
- ملک محمدی، مرتضی (۲۰۰۶)، آمریکای لاتین در راه بولیوارسیم.
- مولانا، حمید (۱۳۸۸)، مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌المللی، تهران: جمهور.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع لاتین

- Arnson, Cynthia, Haleh Esfandiari, Adam Stubits (2004), "Iran in Latin America: Threat or 'Axis of Annoyance'", *The Woodrow Wilson International Center for Scholars*, <http://www.wilsoncenter.org/lap>
- Berman, Elan (2012), *Iran Courts Latin America*, American Foreign Policy Council.
- Campbell, Simon io (1829), Bolivar an Patricio.
- Dodson, Michael, Manochehr Dorraj (2008), "Populis and Foreign Policy in Venezuela and Iran", *Journal of Diplomacy and International Relations*, <http://www.journalofdiplomacy.org>
- Fite, Brandon (2012), U.S. and Iranian Strategic Competition: The Impact of Latin America, Africa and Peripheral States, Latin America and Other Peripheral Statets, <http://www.csis.org>.
- Johnson, Stephen (2012), "Iran's Influence in the Americas, Center for Strategic and International Studies", <http://www.csis.org>.
- Joubert-Ceci, Berta (2012), "Iran's President Visits ALBA Countries", Workers World, Support Independent News DONATE, [http:// ww@workers.org](http://ww@workers.org).
- Lotfian, Saide (2010), Iranian Review of Foreign Affairs.
- Moya Mena, Sergio ( 2012), Iran and Latin America: Vital Interests and Soft-power Strategy, This Paper was Presented at the Ninth Biennial Conference of the International Society for Iranian Studies (ISIS) Held in Istanbul, Turkey.
- Rogers, Tim (2012), Can ALBA Diplomacy Make a Wiki-comeback, Alba-diplomacy-make-a-wiki-comeback, <http://www.nicaraguadispatch.com>.
- V. kubalkov (2010), Foreign Policy in Construted, London, <http://www.simon-bolivar.org>.

